



زهره ملاعلی



روزنامه نگار

زنان؛ کار ارزان و غیر رسمی

تعداد زنان در حوزه اشتغال رسمی هم پای تعداد آن‌ها در دانشگاه‌ها رشد نکرده است

گرچه طی سال‌های اخیر تعداد زنان فارغ‌التحصیل دانشگاه افزایش چشمگیری داشته اما بازار کار همزمان پاسخ مناسبی به زنان جویای کار نداده است. از کار مجانی زنان در فضاهای سنتی و روستاها گرفته تا مشاغل غیر رسمی که دستمزد کمتری را به آنها می‌پردازد، زنان به عنوان نیروی کار ارزان و غیر رسمی معرفی شده‌اند.

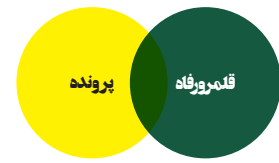
تعداد زنان شاغل در مشاغل غیر رسمی افزایش چشمگیری داشته است.

در سال‌های اخیر مدام شاهد افزایش تعداد دخترانی بوده‌ایم که در دانشگاه‌های مختلف و در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا تحصیل می‌کنند. اگر آمارهای مربوط به دهه ۸۰ نشان‌دهنده پیشی گرفتن زنان از مردان در تحصیل در مقطع کارشناسی بود، در دهه ۹۰ علاوه بر اینکه زنان این برتری آماری را حفظ کردند، در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا نیز شاهد افزایش تعداد آنها بودیم.

در مقاطعی زنان بیش از مردان در کنکور کارشناسی ارشد شرکت کردند و آمارها نشان می‌دهد همان‌طور که جمعیت دانشجویان کارشناسی دختر از دانشجویان کارشناسی پسر پیشی گرفته، در مقطع کارشناسی ارشد نیز همین اتفاق رخ داده و در مقطع دکترا نیز اکنون دیگر فاصله چندانی بین زنان و مردان وجود ندارد. همزمان نقش آفرینی و حضور زنان در بازار کار، از کارهای دفتری گرفته تا کارگری، ملموس است اما با کمال شگفتی باید بیان کرد که آمارهای رسمی چیز

بیش از ۲ میلیون نفر از کارجویان که بر اساس آمارهای رسمی کمی بیشتر از ۴۰ درصد کل جمعیت کارجویان هستند، حتی یک ساعت هم تجربه کار کردن ندارند. این واقعیت به خوبی نشان می‌دهد کار پیدا کردن در ایران چقدر سخت است. در این میان، اشناری از جامعه حتی راهی سخت‌تر برای پیدا کردن کار پیش رو دارند. زنان را می‌توان جز این دسته به حساب آورد. آن‌طور که به نظر می‌رسد بسیاری از آنها عطای یافتن شغل را به لقایش می‌بخشند یا لاقل تن به مشاغل غیر رسمی می‌دهند. هر چند عنوان می‌شود حدود ۱۱ درصد از جمعیت ۱۴ میلیونی کارگران ایران را زنان تشکیل می‌دهند، اما نگاه کردن به کار زنان از زوایای مختلف نشان می‌دهد تعداد زنان کارگر در ایران به مراتب بیشتر از این است.

اگر بر مبنای دستمزد، وضعیت شغلی زنان را بررسی کنیم با توجه به تفاوت فاحش دستمزد زنان و مردان باید عنوان کرد بسیاری از زنانی که اسما کارگر نیستند، رسماً حقوق کارگری می‌گیرند. علاوه بر این، باید این واقعیت را نیز مدنظر قرار داد که در سال‌های اخیر در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر



بر اساس آمارهای رسمی تنها ۵ میلیون و ۲۳۲ هزار و ۶۶۱ زن در ایران کار می‌کنند، حال آنکه تعداد مردان شاغل در ایران ۲۱ میلیون و ۳۵۶ هزار و ۱۵۷ نفر است

مورد تبعیض در دستمزد زنان و مردان به ما ثابت می‌کند درصد بالایی از زنان شاغل ایرانی کارگر هستند. در بیشتر کشورها زنان، دستمزد کمتری از مردان می‌گیرند. تفاوت دستمزد زنان و مردان از ۲۰ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود. چندی پیش مجمع جهانی اقتصاد اعلام کرد برابری کامل دستمزد زنان و مردان به ازای کار مساوی تا دست کم ۱۱۸ سال دیگر به دست نمی‌آید. برخی برآوردها نشان می‌دهد در فرانسه زنان باید ۹۶ روز بیشتر از مردان کار کنند تا حقوقی برابر بگیرند. این تفاوت در آلمان، روسیه، سوئد، هلند و اکثر کشورهای دیگر نیز وجود دارد. زنان آلمانی برای دریافت حقوقی برابر مردان باید ۸۰ روز بیشتر کار کنند.

زنان روس، سوئدی و هلندی نیز به ترتیب با ۹۰، ۶۰ و ۱۰۵ روز کار بیشتر می‌توانند حقوقی برابر با مردان دریافت کنند. در ایران ارزیابی دقیقی از این موضوع وجود ندارد، اما به روشنی تفاوتی فاحش میان دستمزد زنان و مردان وجود دارد و حتی می‌توان عنوان کرد از این نظر وضعیت بسیار هشدار دهنده‌ای داریم.

دی‌ماه سال گذشته لیلا فلاحی، مدیر کل بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری عنوان کرد که ایران در بین ۱۴۴ کشور جهان از نظر شکاف جنسیتی در رده ۱۴۰ قرار دارد. چنین وضعیت نامناسبی می‌تواند ما را به این ارزیابی برساند که نابرابری دستمزد زنان و مردان در ایران از بسیاری کشورها بیشتر است. شاید پرداخت دستمزد کمتر به زنان نسبت به مردان در مورد حداقل حقوق قابل ردگیری نباشد. برای مثال هر سال وقتی حداقل دستمزد یا میزان افزایش دستمزد تعیین می‌شود مسئولان این دستمزد و میزان افزایش آن را بر اساس جنسیت اعلام نمی‌کنند. برای مثال هیچگاه عنوان نمی‌شود حداقل دستمزد برای مردان یک میلیون ۱۸۰ هزار تومان و برای زنان یک میلیون تومان است. تفاوت در دستمزدها در سطوحی دیگر و در مواردی دیگر قابل مشاهده است. برای مثال مواردی چون حق عائله‌مندی درباره زنان و مردان متفاوت است.

معصومه آقاپور علیشاهی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «قلمرو رفاه» تبعیض در مورد دستمزد زنان و مردان را رد می‌کند، اما در عین حال می‌گوید: «تفاوتی در برخی مزایایی که به افراد شاغل ارائه می‌شود وجود دارد و زنان به دلیل برخی شرایط خاص کمتر از مردان از چنین مزایایی برخوردارند.»

زنان روزمزد

گذشته از بحث تبعیض در دستمزدها مساله هشدار دهنده‌ای

دیگری می‌گوید و به‌رغم افزایش تعداد زنان تحصیلکرده که قاعدتا بیشتر از زنان دیگر دنبال کار می‌گردند و با وجود دیده شدن بیشتر زنان در بازار کار، مشارکت اقتصادی آنها در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۰ کاهش یافته است. آمار رسمی دیگری که سال ۹۶ و روزهای سپری شده از سال ۹۷ را پوشش دهد، وجود ندارد، هر چند برخی اظهارات می‌تواند نشان دهنده این باشد که مشارکت اقتصادی زنان در یک سال اخیر افزایش یافته است. معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده می‌گوید: «۶۷ درصد مشاغل ایجاد شده در سال گذشته مربوط به زنان بوده است». با این همه، زنان به‌رغم سبقت گرفتن از مردان در تحصیل، سهم ناچیزی از اشتغال دارند. بر اساس آمارهای رسمی تنها ۵ میلیون و ۲۳۲ هزار و ۶۶۱ زن در ایران کار می‌کنند، حال آنکه تعداد مردان شاغل در ایران ۲۱ میلیون و ۳۵۶ هزار و ۱۵۷ نفر است. آیا زنان با وجود تحصیلات عالی خانه‌نشین هستند؟ این اولین فرضی است که به ذهن هر کس می‌رسد، اما وجود این همه زن در محل‌های کار ناشی از چیست؟ به‌ویژه اگر سری به دفاتر و کارگاه‌های زیر نظر بخش خصوصی بزنید، می‌بینید اگر جمعیت زنان شاغل بیشتر از مردان نباشد، به هیچ‌وجه کمتر از آنها نیست. به نظر می‌رسد زنان به‌رغم اینکه نتوانسته‌اند جایگاه مناسبی در آمار رسمی مربوط به اشتغال داشته باشند، به صورت غیررسمی پایه‌پای مردان در حال کار کردن هستند. گزارشی خوش‌بینانه که از طرف وزارت کار در سال ۹۵ منتشر شده، مدعی است اشتغال زنان در گروه‌های عمده شغلی که از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار است، رو به افزایش است. در مقابل گزارش‌های نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد اشتغال زنان در مشاغل غیررسمی رو به افزایش است و در این بین کشورهای آسیایی از جمله ایران از این نظر وضعیت نامناسب‌تری دارند.

در کنار هم قرار دادن داده‌های فوق می‌تواند ما را به نتایج قابل توجهی برساند. تعداد زنان کارگر در ایران در حال افزایش است، حال آنکه اشتغال درصد قابل توجهی از آنها در مشاغل غیررسمی زنگ خطر استثمار آنها را به صدا درآورده است. از حدود ۵ میلیون و ۲۳۰ هزار زن شاغل رسمی در ایران بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در بخش خدمات، ۸۹۰ هزار نفر در بخش کشاورزی و یک میلیون و ۶۰ هزار نفر در بخش صنعت کار می‌کنند. آمار قابل استنادی از کیفیت کار آنها وجود ندارد و به روشنی نمی‌دانیم چه تعداد از آنها را باید کارگر به حساب آورد و چه تعدادی را می‌توان غیر کارگر دانست.

زنان کم‌مزد

اگر مبنای کاری را دستمزد تلقی کنیم، آمارهای رسمی در



۱۱۸ سال زمان برای برابری زردی

چندی پیش مجمع جهانی اقتصاد اعلام کرد برابری کامل دستمزد زنان و مردان به ازای کار مساوی تا دست کم ۱۱۸ سال دیگر به دست نمی‌آید. برخی برآوردها نشان می‌دهد در فرانسه زنان باید ۹۶ روز بیشتر از مردان کار کنند تا حقوقی برابر بگیرند. این تفاوت در آلمان، روسیه، سوئد، هلند و اکثر کشورهای دیگر نیز وجود دارد.



با توجه به اینکه اشتغال در مشاغل غیررسمی عمدتاً با هدف پرداخت دستمزد پایین‌تر صورت می‌گیرد باید اذعان داشت که در ایران میلیون‌ها زن با حقوقی پایین‌تر از حداقل دستمزد کار می‌کنند که این زنان را باید کارگرانی دانست که گاه درآمد آنها کمتر از خط فقر مطلق است.

زنان بی‌مزد

در شرایطی که به سختی می‌توان زنان شاغل مزدبگیری را در ایران یافت که شرایطی مناسب داشته باشند و درآمد آنها کفاف هزینه‌های شان را بدهد، در سراسر کشور شاهد کار زنانی هستیم که تقریباً هیچ‌مزدی نمی‌گیرند.

از خانه‌داری که بگذریم، در بسیاری از مناطق کشور به‌ویژه مناطق روستایی زنان کارگری هستند که به کشاورزی و دامپروری می‌پردازند، اما در مقابل این کار دستمزدی دریافت نمی‌کنند. به صورت سنتی در بسیاری از روستاهای ایران که مردان به کشاورزی و دامپروری می‌پردازند، زنان پایه‌پای آنها کار می‌کنند، اما سودی از تولیدات کشاورزی و دامی ندارند. شاید عنوان شود این کار برای امرار معاش خانواده صورت می‌گیرد و پولی که از این راه حاصل می‌شود، خرج خانواده می‌شود، اما نباید این تفاوت فاحش را نادیده گرفت که در اکثر مواقع زنان کنترلی بر درآمد حاصل شده ندارند.

آنها محصولات کشاورزی و دامی تولید می‌کنند، اما این محصولات توسط همسران آنها به فروش می‌رسد یا پول حاصل از فروش به جیب همسران آنها رفته و به دلخواه و صلاح‌دید مردان خرج می‌شود.

درباره کار زنان وجود دارد و آن هم گرایش بیشتر آنها به مشاغل غیررسمی است.

برخی آمارها نشان می‌دهد حداقل ۸ میلیون ایرانی شغل غیررسمی دارند. مشاغل غیررسمی به دلایل مختلف از جمله برخی معافیت‌ها در مورد بنگاه‌های کوچک در ایران افزایش یافته است. معافیت‌های بیمه‌ای مربوط به کارگاه‌هایی که کمتر از ۱۰ شاغل دارند موجب می‌شود کارفرمایان با حقوق و مزایایی پایین‌تر از حداقل اعلام شده افرادی را به کار گیرند و با توجه به موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سر راه زنان برای کارایی، آنها درصد بالایی از شاغلان غیررسمی را تشکیل می‌دهند. آقاپور علیشاهی می‌گوید که در سال‌های اخیر تعداد زنان خودسرپرست به دلیل مواردی چون طلاق رشد فزاینده‌ای داشته و این زنان برای امرار معاش در جست‌وجوی شغل هستند.

این اتهام از جانب برخی مردان به زنان وارد می‌شود که آنها در مقابل دریافت حقوقی کمتر حاضر به کار کردن هستند و همین مورد باعث شده کارفرمایانی که قصد دارند حقوقی پایین‌تر از حداقل اعلام شده بپردازند، زنان را به کار گیرند. آمار دقیقی از زنان ایرانی شاغل در اقتصاد خاکستری یا همان بخش غیررسمی اشتغال وجود ندارد، اما بر اساس آمارهای بین‌المللی در سراسر جهان این آمار در حال افزایش است. نهادهای بین‌المللی می‌گویند در جنوب آسیا ۸۰ درصد از زنان، دارای شغل‌های غیررسمی هستند، حتی در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مثل فرانسه، آلمان و ایتالیا نیز کار زنان در بخش غیررسمی در حال افزایش است.